

شماره یازدهم
مهر و آبان ۱۹

نیش شوتر

نشریه طنز دانشجویی
شریف (مستقل)



نیش شوتر زره کین است نوشادوی زخم دین است

بها: در آسیا و اقیانوسیه: یک کوهان (۲۰۰ تومن)، در اروپا و آمریکا ۲۰ سنت International Journal of Nisheshotor, Vol. 2, Nissue 11, 2010

هدفمندسازی یارانه انرژی برق با اختراع محققان جوان شریف:

www.nisheshotor.com

پایان ۶۷ سال وابستگی به جریان الکتریسیته انحلال ناگهانی دانشکده برق و ادغام آن در نفت!



دکتر فتیله پیچ
(مجری طرح):
اجرای اقتصادی
این طرح
سالانه نیازمند
۲۰۰ مگاژول
انرژی جنبشی
است.

در این شماره می‌خوانید

کلام الگمل

استار عزیز ما

شعری از ابل زبل

آموزش TOEFL

شریف در گذشته و آینده

کاریکاتور

برگی از شتر نامه

مصاحبه نیش شتری

ته مقاله و ...

برای اولین بار گرنت فرهنگی اعضای هیات علمی تعریف می‌شود (نشریه شریف، ۱/۸۹/۸۹)



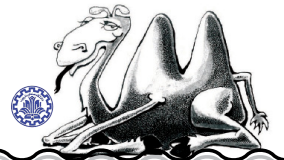
هنرنمایی یکی استادان برای جذب گرنت فرهنگی

توسط باستان شناسان و با هدف
کشف فسیلهای شریف و نیز مقدار
دقیق X در عهدباستان، آغاز شد:

عملیات گسترده حفاری در اطراف دانشکده ریاضی



www.nisheshotor.com



کلام الکمل (قسمت سوم)



به نام حضرت دوست

سلام دوست عزیزم ورودی جدید!

خودت بهتر میدونی اما منم دوس دارم بگم که دانشگاه عزیزترین جا واسه کسب تجربه های جدید، واسه شناخت آدمها، شناخت خودت، آدم شدن یا کشتن آدمیت. شاید بهترین تجربه های زندگی تو اینجا داشته باشی واسه من که اینجور بود...

از اونجا که «این دانشگاه کوه است و فعل ما ندا» احساسی که بعد یه مدت از اینجا خواهی داشت دقیقا به طرز برخورد و نگاه خودت برمیکرده، آره درسته همیشه بعضی واقعیتها بد رو تغییر داد اما همیشه همیشه تعدیلشون کرد حتی با دردودل کردن با نیش شتر.

راستی آیا میدانستی تا الان همیشه جلو چشات پرده میذاشتن تا نتونی ببینی اما الان میتونی خودت پرده ها رو کنار بزنی؟! پس بیا با این ۴ تا پرده شروع کنیم:

پرده نخست: رویای ورودی

به به سلام به نوگلای باغ دانشگاه، عزیزای ورودی جدید، انارای جیگر، شکوفه های خوش منظر، عطرای معطر، مهندسای ایران، دانشمندا و دبیران، مخلصیم به خدا عزیزان!

خوش اومدین به دانشگاه شریف، زدین شکست دادین هرچی حریف، منت گذاشتین بر ما، شاخ کنکور رو شکستین از جا، الان شما همه تون هستین دانشمند، حتی بیشتر از مهران مدیری هنرمند، باور کنید عراق نمیکنم ها، از این به بعد همه میبرنتون دربند!، واستون نوشابه بازمی کنن، مرغتونو براتون غاز میکنن، اصن اینجا دانشگاه نیست هست هتل، دو رو اینجا بقیش لب ساحل، همه تون یه راس میشین دانشمند، ما پول میدیم بهتون شما میشین فضانورد، اگه خوابگاهی باشین بهتون میدیم ویلا، راستی ماشین چی؟ پرادو دوس دارین یا ماکسیم؟!... (با لگد خادم مهربون از خواب بیداری شوی: آخه مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست که، اون ماسماسک رو هم از گوشت در بیار!)

پرده دوم: جشن ورودی ها

ای عزیزان شریفی، ای شکوفه های باغ طرشت! آیا میدانستید از ۱۰۰ نفر برتر کنکور ۱۰۱ نفر به دانشگاه شریف آمدند؟ (صدای کف و هورا) (کیه که ندونه از این تعداد ۱۰۲ نفر شون میرن و دیگه هم برمیگردن بقیه شون هم رو خط شوش-راه آهن کار میکنن!) آیا میدانستید شما سرمایه های این مملکت هستید؟ (کیه که ندونه سرمایه این مملکت نفته، نفتم که روسیاهه!) آیا میدانستید سرعت اینترنت دانشگاه از پارسال تاکنون ۱۰۰ درصد افزایش یافته؟ (کیه که ندونه از ۲ کیلوبایت به ۴ کیلوبایت رسیده؟! آیا میدانستید بوی کباب سلف ما تا مغازه جناب سگ پز هم میرسه؟) (کیه که ندونه بوی پیاز می پیچه خب!)

پرده سوم: توصیه های یک سال بالایی

ببین کوچولو اینجا هرکی باید گلیم خودشو از آب بیرون بکشه، فرند داری خوش به حالت اما بعضی وقتا بی فرندی ملالش کمتره، اینجا درس پاس نکنی باید پارس کنی! نه تو کوچو پشت در اتاق! هیچ وقت بی گذار به آب زن، اول رگو پیدا کن بعد سوزنو فرو کن، عین دارت میمونه! (آستینش را پایین میکشد). یادت باشه ننه بابات با هزار امید نفرستادنت اینجا سیگاری بشی (فوری سیگارش را پنهان میکند) مٹ من مرد باش!، راستی کتاب خواستی بیا از خودم بگیر، اگر چه به دردت نمیخوره، فقط جزوه...! (حالش به نظر خوش می آمد خوب شد زود رفت!)

پرده آخر:

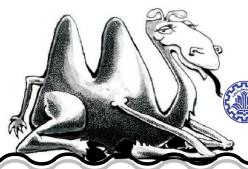
توی سلف نشسته بودی صدایی از فوق برنامه به گوش میرسید!:

صورت خیال خام ماست، سیرت قمار فام ماست // اول شروع عاشقی ثانی پریشان کام ماست

معمار بی اندیشه ایم، لکن چو صاحب ریشه ایم // حتی بدون گنج قدر ساقی خمار جام ماست، یا علی، شیخ فضول (محمد مهدی کامیابی)

شریفها تک بُعدی هستند)
استاد درس شدند!! (باز بگویند)
از کلاسهای ابن سینا مانع حضور
هواداران تراکتورسازی در یکی





برگی از شترنامه

شترنامه شرح حال شیخ بزول است که از سنه ۷۵ تا ۸۹ خورشیدی در دانشگاه شریف زیسته و دیده‌ها و شنیده‌ها به قلم خویش در قالب روایات طنز و حکایات نغز در هشت باب به طبعی موزون آراسته و به نثری وزین پیراسته. و این بار حکایتی دیگر از این گنجینه ...

بزول (با فتحه): شتری که دندان نیش برآورده باشد. مذکر و مونث در وی یکسان است. جمع بزول، بُزول. (منتهی الارب) (ناظم الاطباء) لغت نامه دهخدا



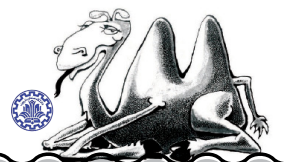
حکایت دهم در باب حذف یارانه‌ها

آورده اند که چون یارانه‌ها رسیدند، بهای اقامت به حد خواست در نومیه (خوابگاهها)ی شریف فزونی یافت چندانکه طخ طعام و نوبت حمام و پرورش اندام به جیره رسید که روزانه‌ی آب میرفت و شبانه‌ی تاب و روزهای سرد امید به آفتاب. پس شنیدم که هم در آن وقت، بر خزانه (حمام)های حر نومیه داروغه کار گذاشته به طرح و بهای شاور (دوش) به حد وافر رساند. و روایت کنند که چون این وضع ناماند، از انواع شش و خز و موریا به برتن دانشجویان آویخت چندانکه ایشان را مجال خارش سر نبود چه مالش به سایر اندام اولی بود و پیوسته دست بر آسمانشان بود تا به رحمت بارش، زحمت خارش دفع کند و به باران لطیف تن کثیف شسته آوند. و از ایشان اگر تحت خوشه بود به سالی فرصت شستن میافت و اگر سوم خوشه بود رنگ آب به خواب مگر میدید. پس چاره در آن دیدند که هر کس رخصت حمام خواهد، میانه (معدل) تمام باید و حرکت بیشتر کوشد بیشتر بدوش (دوش بگیرد) و دیگر سال شنیدم که چون بوی نادر کس صادر شد همه کس دانستند که وی به تحصیل تعطیل است و ترک مرادوت و مصاحبت کرد.

آب را گل نکنید، بی خودی ول ندهید! در فرودست انجار، خوابگاه شریف، یک دو تا دانشجو زار و نحیف،
نخت و بی حال و کثیف، ظاهری مانده به موش، بعد یکسال تمام، دوش میکرد دوش ...

مقداری بودجه یا مفت مربوط به سال پیش، روز گذشته حوالی ساختمان اداری ضلع جنوبی دانشگاه گم شده. از یابنده تقاضا نمودیم با دادن نشانی! آنر بازگردانده و معاونتی را از نگرانی





مثنوی از ابل زبل، دکترای برق ۸۵

«از کرامات شیخ ما چه عجب
پنجه را گز نمود و گفت وجب»
کارت نو را شتاب می خواند
قیمه، نوعی کباب می داند
شارژ اینترنتی برای غذا
شیخ را برده مستقیم، فضا
داده تغییر، رمز خود را بیست
رمز، فردا همان کد ملیست
چون بگیرد غذا ز روز فروش
آشپز می زند سرش صد جوش
بهر آموزش و رزرو غذا
شیخ ما باز هم گرفته عزا

ازدواج اینترنتی
مشاوره
مهاجرت تحصیلی
اخذ روادید
TOEFL



برگردان اصطلاحات و تکه کلامهای فارسی به
انگلیسی به طور دقیق همواره بخش مهمی از
آزمون تافل است که آموختنش برای تان الزامیست:
بابا! ما رو رنگ نکن

Dady! Please do not paint us!

دوقرص و نیمش هم باقیه

His two & half of the pills still remain

ور پریده بی چشم و رو

Faceless! Eyeless! already jumped!

چه قر و غم بیشی میاد

What quer & more sad she come!

آخه تو سر پیازی یا ته پیاز؟

Finally! Are you head of onion or bottom of onion?

لی لی به لالای کسی گذاشتن

Putting lili to someone's lala

سرخورده شدن

Being head-eaten!

مجلس پا تختی

Bed-Footing Parliament

به امید موفقیت اپلیکنتهای عزیز، *Dr. Camel Sting* (شیخ بزول)

قوانین راهنمایی و رانندگی با همکاری معاونت اداری و مالی و مدیریت
حراست دانشگاه برای کارکنان و اساتید به اجرا در آمد.

نشریه شریف، ۲ شهریور ۸۹

شرمند آقای دکتر!
توی اتوبان دکتر مجتهدی لای کشیدی، صدای ضبطت
هم بلند بود، سه تا دانشجو هم له کردی!
ماشینو باید بخوابونم!



انتظامات <<

پولهایتان را به ما بسپارید! خودتان را به خدا!
دفتر آموزشهای آزاد

با توجه به تمام شدن فصل مگس پرانی، تو رو
خدا برای ما هم کمی کار تعریف کنید!
مرکز مشاوره





استاد عزیز ما

(شیخ بزول)



استاد عزیز ما فرمودند: از دانشجویانی که تمریناتشان را با عجله کپ میزنند بیزارم!

استاد عزیز ما پایین نمرات اعلام شده روی در اتاقشان نوشته اند: نمرات بدون در نظر گرفتن یارانه مناسبه شده است!

استاد عزیز ما عادت دارند همه چیز را روی دستکتابشان کپی میکنند طوری که برای پیدا کردن یک فایل همیشه کلی معطل میشوند و آخر کار با عصبانیت میفرمایند من نمیدونم چرا این کامپیوترها رو اینطوری طراحی میکنند که شتر با بارش اینجا کم میشه!

استاد عزیز ما همیشه بیست دقیقه تأخیر دارد. ایشان جلسه پیش در هالیکه با یک ربع تأخیر وارد کلاس میشدند با نگاهی به ساعتشان لبند زدند و فرمودند: انگار امروز به موقع رسیدم!

«استاد عزیز» هایتان را برای ما بفرستید...!

www.nisheshotor.com

استاد عزیز ما که در حل یکی از ساده ترین تمرینهای کتاب بردجوری گیر کرده بودند فرمودند: کسی یارش هست من این مساله را قبلاً بطوری حل کرده ام؟!!

دکتر دانشگر، مدیرتحصیلات تکمیلی: تغییری که داده ایم با این دیدگاه بود که دانشجو بتواند به مطالعات علمی خود پردازد و حتی المقدور درگیر مسایل غیر علمی و مقررات اداری نشود.
نشریه شریف، ۱۰ مهر ۸۹

دانشگاه شریف با همکاری دانشگاه چینگ هوآی چین دوره دکتری مشترک برگزار میکنند.
نشریه شریف، ۱۴ تیر ۸۹

2 آره بابا نامه اش تا حالا شش بار تو تحصیلات تکمیلی گم شده!

این دانشجو هست؟! ظاهراً خیلی درگیر مقررات اداری شده!

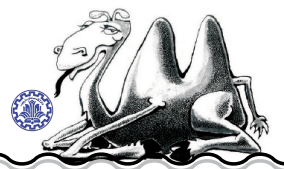
1



درد دلهای یک خوابگاهی:

صفر را بستند تا ما به بیرون زنگ زنیم...

از شما چه پنهان ما از درون زنگ زدیم!



شریف در ۲۰ سال قبل



(پس بینی های مزبذب الشریف
از وقایع ۲۰ سال گذشته)

یکشنبه ۵ مهر ۶۹

دو اصله درخت انجیر و توت در قسمت مرکزی دانشگاه کاشته شد. کاشت این دو اصله آغاز اجرای استراتژی «ریال سبز» در دانشگاه است. طبق این استراتژی که به همت معاون مالی دانشگاه تدوین شده است، دانشگاه در نظر دارد با کاشت این درختان میوه و فروش میوه های حاصل در بازارهای میوه و تره بار بخشی از

هزینه های پژوهشی را تامین کند. معاون مالی دانشگاه در مصاحبه با روزنامه شریف گفته است: «با توجه به مساعد بودن خاک و آب در اراضی دانشگاه و برای زیباتر کردن و توسعه فضای سبز دانشگاه این استراتژی بسیار مناسب به نظر می رسد. یکی از اهداف عمده ما درآمذزایی برای کارمندان و دانشجویان و افزایش بهره وری کار آنان است. چرا که آن ها می توانند با چیدن میوه های این درختان و تحویل به باجهی مربوطه نصف قیمت فروش را به صورت نقدی دریافت کنند.» قرار است در آینده ای نزدیک ۱۰۰ اصله از درختان زردآلو، انجیر، توت و هلو در سراسر دانشگاه کاشته شود. از اهداف ۱۰ ساله ای این استراتژی تامین ۳۰ درصد از هزینه های پژوهشی است.

سه شنبه ۷ مهر ۶۹

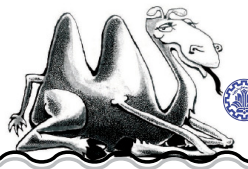
اولین مرحله از طرح تفکیک کتابخانه مرکزی با انتقال بخشی از کتاب ها به دانشکده مکانیک به انجام رسید. این طرح به پیشنهاد رئیس کتابخانه مرکزی

انجام می شود و در آن قرار است طی ۵ سال کل کتاب های کتابخانه مرکزی به کتابخانه های دانشکده ها منتقل شود. رئیس کتابخانه مرکزی درباره این طرح گفته است: «طرح پیشنهادی من پس از سال ها کار کارشناسی به اینجا رسیده است. باید هر دانشکده ای یک کتابخانه داشته باشد. به عقیده من و البته کارشناسان کتابخانه ها به منزله روح هر دانشکده هستند. در نتیجه در هر دانشکده کتاب ها به صورت تخصصی جمع آوری و خوانده می شود» وی این طرح را برای توسعه ای علم و پژوهش در دانشگاه بسیار مفید می داند. پ.ن: لازم به ذکر است پس از اینکه رئیس کتابخانه ۷ سال پیش تغییر کرد، هم اکنون طرح تجمیع کتابخانه ها در حال اجراست. مسئولین فعلی مکرراً همان ادعاهای مسئولین قبلی را درباره پشتوانه کارشناسی طرح ابراز می کنند.

(در جستجوی خانه!) گفتگویی از پهلوی (۸۴ MBA) ...

گفتم: یه خونه می خوام ۵ پیش (۵ میلیون پول پیش)، ماهی ۴۰۰، برای مجرد.
گفت: مورد دارم. یه خونست ۱۰ پیش، ماهی ۵۰۰؛ فقط به مجرد نمی ده!





V

سه شنبه ۱۴ مهر ۶۹

پس از انتظار فراوان مرکز مشاوره‌ی دانشگاه صنعتی شریف با حضور معاون وزیر فرهنگ و آموزش عالی (وزارت علوم فعلی) و رئیس دانشگاه افتتاح شد. این مرکز در حال حاضر فقط در موضوعات تحصیلی خدمات مشاوره‌ای ارائه می‌دهد. رئیس مرکز مشاوره در پاسخ به این سؤال که چرا در موضوعاتی مثل ازدواج و مسائل شخصی - عاطفی مشاوره داده نمی‌شود گفت: «من در پاسخ به سؤال شما باید سه نکته را مطرح کنم. اولاً چون ما در مسیر پیشرفت هستیم و قرار است تا سال ۲۰۰۰ جزء ۱۰ دانشگاه برتر دنیا باشیم، الویت برای ما مسائل تحصیلی است. ثانیاً با اجرای کامل طرح تفکیک خواهران و برادران در دانشگاه، دیگر مسئله ازدواج

در میان دانشجویان موضوعیتی ندارد. ثالثاً در حال حاضر عده قلیلی از دانشجویان درگیر مسائل شخصی - عاطفی هستند. طبق آخرین آمار فقط ۲۵ درصد دانشجویان افسردگی خفیف دارند و خودکشی هر ۱۰ سال یک مورد اتفاق می‌افتد که در نظر داریم با توسعه فعالیت‌های مرکز مشاوره در آینده شیوع افسردگی را به کمتر از ۵ درصد و وقوع خودکشی را به هر ۲۰ سال یک مورد برسانیم.» دانشجویان می‌توانند برای استفاده از خدمات مشاوره‌ای چهارشنبه‌ها از ساعت ۲ تا ۲:۴۵ به مرکز مشاوره در نزدیکی انتشارات مراجعه کنند.

چهارشنبه ۲۲ مهر ۶۹

برای اولین بار در دنیا پروژه کاشت چمن‌های تراریخته (تغییر ژنتیکی یافته) توسط مرکز بیوشیمی دانشگاه شریف به اجرا درمی‌آید.

در این پروژه با تغییر خصوصیات ژنتیکی، گونه‌ای خاص از چمن با سرعت رشد بالا و همچنین با طعم و بوی سبزی خورشت قرمه سبزی به دست آمده است. مهندس کاشفیان از پژوهشگران مرکز بیوشیمی و مجری این پروژه اظهار امیدواری کرده است با کاشت این نوع چمن، دانشگاه در تولید سبزی قرمه سبزی خودکفا می‌شود. به این ترتیب سالی ۷۳۰ هزار تومان (به ارزش پولی اکنون سالی ۲ میلیون تومان) صرفه‌جویی ریالی عاید دانشگاه خواهد شد. قرار است صرفه‌جویی ناشی از این پروژه صرف توسعه اینترنت در دانشگاه شود. مهندس کاشفیان پیش بینی کرد تا ۵ سال دیگر کل فضای سبز دانشگاه با این نوع چمن‌ها پوشش داده می‌شود.

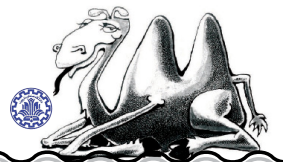
206

تقدیر و تشکر!

پدر توپول و نازنازی! جناب آقای دکتر... استاد محترم دانشکده...

از اینکه گل پسر قند عسلتان را از رشته مهندسی حشره‌شناسی دانشگاه دور قوزتپه علیا به برق شریف انتقال دادید و همچنین از کسانی که این قانون خیلی خوب را گذاشته‌اند، خیلی ممنونم. دو تا ماچ گنده به بابایی خوشگلم! پسر نخبه شما





اینجا ساختمان تحصیلات تکمیلی است، با احتیاط وارد شوید و خوب مراقب اطراف باشید. گویا کار اینها مدیریت تحصیلات تکمیلی است هرچند این روزها بیشتر، تحصیلشان را آنطرف تکمیل (یا ترمیم!) میکنند...

مصاحبه با رییس
تفصیلات
(تدریجی) تکمیلی!

- سلام! اجازه هست بیایم
داخل؟

گیرم علیک! کار تو بگو زود برو بیرون!
- من که تازه اومدم! قبلاً
همهانگ کرده بودم. از نشریه نیش
شتر!

بین من اعصاب معصاب ندارم!
الان زنگ میزنم مراسم بیان بپرنت

- بپوشید دکتر من فقط چند تا سوال
کوچک داشتم!

میزنم مغز تو داغون میکنم!! (بلند میگید طوری که منشی بشنود) ۱۰۰ دفعه گفتم ساعت کاری من فقط ۱ و نیم تا ۲ ریح به ۲ روزای سه شنبه هست. وقت منو بیفور نگیرید. (منشی نزدیک است از ترس زهره ترک بشود)

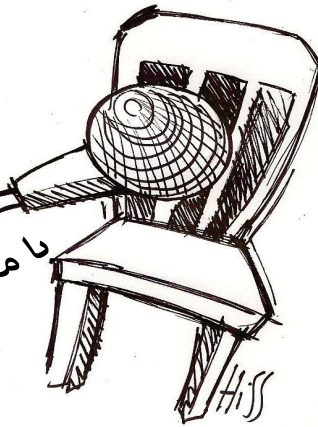
- پس من زود میروم سراغ اصل مطلب!
پرا با وجود اینکه بعضی دانشکده ها امکانات لازم ندارند ظرفیت پذیرش ارشد و دکترا را هر سال زیادتر میکنند؟

چون دلشان میفواهد و به تو هم اصلاً مربوط نیست!
په پر رو!

- متشکرم! برفی از روند بسیار کند رسیدگی
به نامه های اداری در مجموعه شما گلایه مندند.

(در این لفظه از بایش بلند میشود و یقه شیخ بزول را دو دستی میگیرد تا او را فقه کند)
- منظورم این بود که این عده هتماً مرفض دارند که گلایه میکنند وگرنه اینبا همه چیز مگانیزه است.

مصاحبه
نیش شتری
با مسوول کل تحصیلات
تکمیلی!



مربوط به افزایش سنوات به فود دانشکاه بر میگردد؟
چون از پول فوشمان میآید مثلاً دوره های شبانه فوق و نوبت دوم هم فیلی باالاست.
- به نظر شما منطقی است که الان ۱۰۰ سال است کمک هزینه شرکت در کنفرانس برای دانشجویان دکترا فقط یک میلیون است؟
بله کاملاً با منطق فود من که سازگار است.

- راستی پژوهانه و پرداخت ماهیانه بابت دستیار پژوهشی به دانشجویان دکترا چه شد؟ یادم هست با چه آواز دهلی شروع شدا

بین دیکه داری فوصلم رو سر میبری! به سوال دیکه بیشتر پیرسی تیکه بزرکت کوشته!

- پس سوال آفر را میپرسم! شریف فیلی به دوره های فوق و دکترایش می نازد. پرا شماها

که همیشه در جشن ورودیها با آب و تاب اعلام میکنید که از فلان رتبه برتر کنکور بهمان نفر امده اند شریف و کلی پُر میدید که در چه رشته های پردیری دکترا گذاشته ایم و ... اما هیفوقتم نمیگوئید

که از این تعداد فارغ التمهیل فوق، چند نفرشان رفته اند و چند نفر مانده و پرا مانده پرا نمیگوئید مدرک شریف را چگونه به مراج گذاشته اید تا اینومه پول جمع شود و اتوقت دانشجوی دکترا بر فلاف همان کشورهایی که مغزها به آنها میگزیند باید به بردفتی امرار معاش کنند و دست آفر با جان کنند مقاله ای به اسم استار راهنمای عزیز بردهند؟ پرا...

(در این لفظه با فشم فریاد میزند: خ...ه شوووووو!!! و با یک مشت مملک فبرنگار را نقش بر زمین میکند، چون

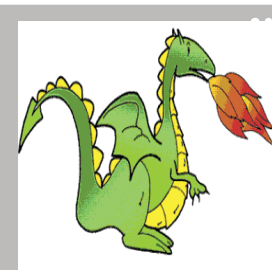
از حال شیخ بزول فبری در دست نیست این مصاحبه تماماً بر اساس تفیلات ذهنی و الهه تهریات شفصی او تنظیم شده است و تشابه اسامی در این مصاحبه کاملاً اتفاقی است!)

(آرام میشود): بهر حال تلاش کرده ایم در طول این مرت شفاف سازی کنیم تا هیچ فرد ناراضی زنده از اینبا بیرون نرود. دیروز هم یکی ادعا کرد نامه اش برای سومین بار کم شده من هم همپین سرش داد کشیدم که تا سه ایستگاه بی آر تی دوید و دیگر پیدایش نشد. کسی با ما در بیفتد کارش را لنک میگذاریم. خودش را هم لنک میکنیم!

- به نظر شما ویژگیهای یک مدیر موفق چیست؟

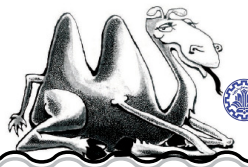
افلاق فوب، بر فورد آرام، صبر و فوصله، حضور طبق برنامه و مگانیزه کردن کارها

- پرا از دانشجویان دکترا از نیمسال نهم پول میگیرید و این در هالیست که اغلب مشکلات



آگهی استخدام ازدهای پاره وقت
با توجه به کمبود بودجه گرمایش، به چند ازدهای تحصیل کرده برای گرم کردن آب حمام خوابگاه شوریده نیازمندیم. (با غذا و محل خواب) اداره امور خوابگاهها





کردند مشکل ارتباط این کارت با تغذیه به قوت خود باقیست و این مساله به یک پروژه فراملی تبدیل شده است. وی در پاسخ به خبرنگار ما که پرسید: چرا در طراحی کارت اینقدر سلیقه بخرج می‌دهید گفت: اینطور هم که می‌گویید نیست. ما در انتخاب طرحها و رنگ ها کاملاً رندوم عمل می‌کنیم و دانشجو این را بخوبی درک میکند.

۱۱ نوامبر ۲۰۲۰: موزه ملی

یکی از مسوولین دانشگاه برای ده هزارمین بار تاکید کرد پدیده ای به نام فرار مغزها در شریف وجود ندارد و این زائیده ذهن توهم زده بعضی هاست. ایشان در مراسم فارغ التحصیلی در سالن کلینت ایستوود (تربیت بدنی سابق) و در حضور ۵ تا از دانش آموختگان گفتند به نظر ما کسانی که برای ادامه تحصیلات مراجعه می‌کنند مغز نیستند و اگر بودند همین جا می ماندند و الان توی این سالن اینقدر خالی نبود که من برای در و دیوار حرف بزنم! ایشان گفت عده ای میخواهند طوری وانمود کنند که امکانات ما ناکافیست و در خارج بیشتر است در حالی که من خودم پارسال تصویب کردم به هر دانشجوی تحصیلات تکمیلی شب عید ۲۰هزار تومان کمک هزینه بدهند که هر طور میخواهد خرج کند. این مقام مسوول ادامه داد پارسال از ۱۰۰ دانشجوی فارغ التحصیل شریف ۱۵۰ نفر مهاجرت کرده اند که این خودش یک دروغ بزرگ محسوب میشود! وی گفت با اجرای طرح ضربتی بازیافت مغزها، از همین امشب! هر کس که خواست اپلای کند با خشونت با او برخورد میشود.

۳۱ اکتبر ۲۰۲۰: موزه ملی

اتاق دوچرخه سواری واقع در مجاورت درب شمالی دانشگاه، موزه ملی میشود. مدیر تربیت بدنی با اعلام این خبر گفت از بیست سال گذشته هر کاری می‌کنیم در این اتاق باز نمیشود و کلید آن دست آقای ج. مدیر این مجموعه از ۲۵۰ سال قبل از میلاد مسیح تا همین بیست سال پیش است. وی گفت در این اتاق سه چرخه لویی سیزدهم و تلمبه آرتور پنجم و نیز دهها دوچرخه ای که ۱۰۰ سال پیش خریده شده و کاملاً فرسوده شده است، پیدا شده و حتی یکی از دانشجویان همین دانشگاه در حال رکاب زدن روی یکی از دوچرخه ها تاکسی درمی شده است. وی ادامه داد چون در این اتاق باز نمیشود بازدیدکنندگان باید از پشت نرده ها این اشیا را تماشا کنند.

۲ نوامبر ۲۰۲۰: کارت جدید دانشجویی

مدیر آموزش دانشگاه اعلام کرد کارت جدید دانشجویی که فوق هوشمند و با تکنولوژی نانو فناوری شده، از هفته آینده همراه با ناهار سه شنبه توزیع میشود. وی گفت کارت قدیمی ایراداتی داشت که به کارت جدید منتقل شده! وی افزود حتی گربه ها و بقیه جانورانی که در دانشگاه تردد میکنند هم باید کارت داشته باشند و با حیوانات متخلف برخورد رودررو صورت میگیرد. در کارت جدید، شجره نامه دانشجو از ۱۲ نسل قبل ثبت شده و با تراشه های جدید، موقعیت او در هر لحظه نشان داده میشود. ایشان تاکید

شریف در سال ۲۰۲۰



پیش بینی وقایع ۱۰ سال آینده دانشگاه از شیخ بزول

۲۰ اکتبر ۲۰۲۰: انحلال و ادغام

رئیس دانشگاه از انحلال دانشگاه شریف و ادغام آن در دو دانشگاه پیام نور ساوجبلاغ و آزاد واحد سلطان آباد بڑتپه خبر داد. این خبر دیشب و به طور ناگهانی در سایت دانشگاه اعلام شد و گویا هدف از آن توزیع یکسان نخبگان در قسمتهای مختلف کشور است. بدنبال اعلام این خبر، موجی از شادمانی دانشجویان دانشکده های شریف بخصوص برق و مکانیک را فرا گرفت و گفته میشود حتی عده ای از نیمه شب دیشب به سمت دانشگاههای مزبور یورش برده تا محیط جدید دانشگاه را از نزدیک ببینند. البته تکلیف استادان هنوز معلوم نیست و ممکن است آنها به نقاطی امن منتقل شوند! حراست از دانشجویان مخصوصاً پسرها خواست هیجان خود را کنترل کنند و سر به زیر باشند! گفتنی است پارسال هم دانشگاه امیرکبیر با یک هنرستان هنر و موسیقی در ورامین و دانشگاه علم و صنعت با پارک سوار آزادی ادغام شده بود تا هزینه ها کاهش یابد و تمرکز هم حسابی زده شود.

برای نقل و انتقالات جدید! به چند راننده اتوبوس خوش برخورد و مجرب (ترجیحاً بی سواد) مسلط به اتو کد نیازمندیم.
نقلیه





از دیوان پهلوی...

در ایام پیشین، چنان که دانی، عزوبت (مجرد بودن) بر من غالب شده بود چنان که عذوبت (گوارایی) از زندگیم رخت بر بسته و فراق (جدایی) یار، فراغ (آسایش) از من گرفته. گفتم غدري (حیله، فریب) باید که قدر (سرنوشت) حل این مشکل نکند.

مرا صنمی باید، تا این آسف (غمگین) را اهتزاز (جنبش و شادی) پدید آورد. غیائی (فریادرس) که چشمانم در صباحت (زیبایی) صورتش، سباح (شناگری) کند. وسیمی (زیبارویی) که هم صحبتیش را انتفاع (بهره بردن) برم و انضاجام (دلنگی) را انتفاء (برطرف نمودن). آنچه آن که اصیرش (موی پیچیده) را اسیر (گرفتار) کردم که گفته اند:

هرگز آشفته رویی نشدم یا مویی

مگر اکنون که به روی تو چو موی آشفتم

باری، در اندیشه بودم که چگونه حل این مشکل کنم. درکه و دربند را غریب (دور) یافتم و ونک را تکراری! گفتم ابتدایی (نوآوری) باید در این مهم. چاره در چت دیدم، که حجب و کم رویی را در آن راهی نباشد و حصن (استحکام) زبان و قلم بر حسن صورت برتر آید. شناسه ای (ID) خلق کردم و به مخزذن مشغول گشتم.

عسل نامیبه صحبت برگزیدم. گفتمش که خرس هستم و عسل می جویم. این کرشمه از من پسندید و صحبت شروع نمودیم. محبت تبادل می نمودیم تا پاسی از شب. تا اینکه فرصت مناسب یافتم. گفتم که دیدارش را

خواهانم. لختی ساکت ماند. در اندیشه شدم. جواب آمد که مصلحت آنست که یکدگر نبینیم. از چرایش پرسیدم. گفت که دختری زشتم. تعجب کردم. ناگاه اندیشه ای در ذهنم جاری شد. به یقین قصد دارد تا عشق مرا بیازماید. گفتمش که سیرت زیبایی را خواهانم، صورت به کنار. قرار گذاشتیم.

شب به افکار زیبا فرو رفتم. گفتم که عسل حوری و شوی است خسته از هوس های دنیوی، عشقی می طلبد و در این اندیشه ها بودم که خواب مرا بر بود.

فرداروز، بیقرار به قرارگاه شتافتیم. نگران که نیاید یا بیاید و نیاید:

چه دانستم که هرگز آشنایی

پری را با بنی آدم نباشد

به این افکار مشغول بودم که دختری آمد.

نشانی ها همه همان بود که گفته بود. صورتش اما ...

آری صورتش نیز همان بود که گفته بود.

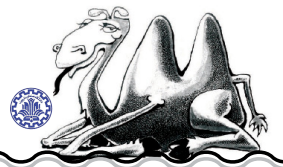
من که در پی الیفی (دوست و هم خو) بودم، علیفی (گوسفند فربه) در پیش روی خود می دیدم. وسیمی (زیبارویی) می جستم، وثیمی (چاق) یافتم. صورت اهل (ترسناک)، چشم ها احوال (لوچ)، پوستش چونان پار (پوست دباغی شده)، ذقنش (چانه) چونان منقار زغن (نوعی پرند)، ناصیه اش پر جوش. صورتش پرداخته برای ترهیب (ترساندن)، نه از بهر ترهیب (مرحبا گفتن).

بیم جان بردم. مقاصات (از کسی دور شدن) بر مقاسات (رنج کشیدن) ترجیح دادم. می دویدم و لعن می فرستادم بر ناصیه ای (پیشانی) که بر آن انجاس [کنایه از شانس بد] کرده بودند، راستگویان را نیز به ناسزاها نوازش همی نمودم.

نوشته پهلوی (اشکان احمدی) MBA ۸۴

به مُشتی کاریکاتوریست مزدور (همراه با دستمزد) و خوش ذوق برای کار در نشریه وزین و در آستانه توقیف نیش شتر نیاز داریم. علاقه مندان فقط کافیسست لب تر کنند. (به خدا این آگهی جدیه!) سردبیر





ته مقاله!

۱۲

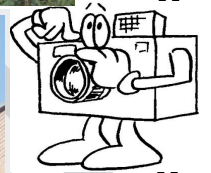
دوباره باز میشود! شاید به امید دراز شدن دستهای پویایی ست برای یاری و زبانهای گویایی برای دلداری! اگر برای کسانی، تلخی این طنز، گزنده می آید خوب است بدانند که این نشریه، هدفی جز ساختن و پرداختن نداشته و ندارد و گرنه دانید و دانیم که درهای تملق و تمجید و مدیحه سرایی شکر خدا! از دیرباز باز است و این تنها دریچه ایست که شریف و شریفیها را از نگاهی دیگر میبیند. امید که گشوده بماند. گری هنرم و گره هنرمند لطفست امیدم از خداوند آبان هشتاد و نه خورشیدی، سردبیر

راستش را بخواهید نیشم را بسته بودم! گفتم اگر بنا بود سخن تازه ای بگویم گفته ایم و اگر گوش شنوایی بود شنیده. هر چه می اندیشم اما میبینم جای خنده، اینجا سخت خالی ست و این نوشداری طنز بر زخمهایی که هر بار تازه تر میرویند بایسته است. گرداوری نوشته ها و دشواریهای چاپ با هزینه گزاف این روزها و دست تنها پخش هزار نسخه، داشت مرا در پیمودن این راه دلسرد می کرد. چه کنم که شرمسارم شدم به روی بیشمار خوانندگانی که پیوسته می رسیدند «پس این شماره کی در میاد؟!». حالا اگر نیش شتر

نوع شریفی: به نظر شما کدام زودتر سبز شده! درخت یا تابلوی این دانشگاه



راه مالرو ضلع شمالی دانشگاه، جاده ای در شأن شریف!!



camel shot



پیشنهاد نیش شتر برای کاهش ترافیک دانشگاه (این بزرگراه از شرق به حکیم و از شمال به همت متصل میشود)

206

شماره مجوز: ۱۴۱۶-۵۴۰۰ (۸۷/۹/۳)

نشانی دفتر نشریه:

نشریه طنز دانشجویی شریف

تهران - خیابان آزادی - روبروی کله پیزی میلاد - دانشگاه صنعتی شریف

صاحب امتیاز، مدیر مسؤول، سردبیر، صفحه آرا، تایپست، سر ایدار، راننده آبدارچی و پیک موتوری: علیرضا مختار (شیخ بزول) همکاران (به ترتیب الفبا): حسین دریجانی (شورای تیتز)، محمد شهرابی (فراهانی/نویسنده)، بهمن عباسپور و پویا علویان (توزیع)، امیر کفاش (کاریکاتور)، مهدی نصیریان

ایمیل ارتباط با شتر نیشدار: mokhtar@gmail.com
وب سایت و آرشیو کامل نشریه: www.nisheshotor.com

